

هو الله

ای یاران رحمانی و دوستان حقیقی مدتی بود که از آنسامان خطه مبارکه زنجان رايحه مشک جان و نفعه رحمان بمشام مشتاقان نرسیده و از اینجهت احزان مستولی بود تا آنکه ناهض بر اعلاء کلمه الله و حافظ عهد و میثاق الله جناب حاجی واعظ بانديار شتافت الحمد لله بمحض ورود حالت دیگر مشهود شد قدری اهتزاز و حرکت حاصل گشت بیخبران بتجسس و فحص برخواستند برخی از عالم نقص رهائی یافتند و بعضی مقبل شدند و حزبی متحیر ماندند و کسانی متردد گشتند علی العجالة احبای قدیم مانند لاله صاغر محبت الله بدست گرفته و از صهبای معرفت الله در آن انجمن بنگ نوشانوش بلند شد جشنی برپا گردیده و بزومی آراسته شده محفل روحانی تشکیل گردیده و دلبر نورانی شمع انجمن شده یوسف حقیقی در آن بزم در نهایت صباحت و ملاحظت جلوه نموده لهذا از آن خطه و دیار نفعه مشکبار بمشام مشتاقان رسید

بوی آن دلبر چه پزان میشود

این زبانها جمله حیران میشود

ای نفعه ربانی و ای نسیم جانپرو ربابی و ای صبای گلشن الهی قصد آندیار نما و بر بوم و بر زنجان قربانگاه شهیدان مرور کن و تحیت مشتاقانه عبدالبهاء برسان و مشام یاران معطر کن و بگو ای دوستان حقیقی اسم اعظم و یاران رحمانی جمال قدم شکر حضرت پروردگار را که در این عصر انوار و قرن اسرار بعرضه وجود قدم نهادید و در ظل مملود درآمدید و بسر وجود پی بردید و بنور محمود مهتدی گشتید چه قدر عزیز بودید که فرهنگ و تمیز یافتید بسا نحاریر آفاق محروم گشتند و شما محرم اسرار شدید و چه بسا مدعیان عرفان در بادیه فراق گمگشته و سرگردان ماندند و شما بخلوتگاه نیر آفاق راه یافتید این چه موهبتی است و این چه عنایتیست و این چه هدایتی بشکرانه این الطاف پیردازید و بوصایا و نصائح یگانه آفاق قیام کنید و آنچه در زیر و الواح منصوص عمل نمائید و بخلق و خوی اهل بها پیردازید از هر سُوروی جز بشارات الله بیزار گردید و از هر راحت و آسایشی جز در پناه حق کناره جوئید درخت بارور شوید و اختران افق انور گردید خادمان حق شوید و فدائیان آندلبر در خاور و باختر گردید بخلق و خوی بهائی باشید و بجان و دل ربانی گردید دشمنانرا دوستان شمیرید و بدخواهانرا خیرخواه دانید جفاکارانرا وفاکار شمارید نادانانرا دانا گمان کنید و وحشیانرا مونس دل و جان پندارید یعنی بگنه کار و جفاکار و دشمن خونخوار چنان رفتار نمائید که بیار وفادار و همدم اسرار معامله مینمائید مقصود اینست که خیر محض باشید و موهبت صرف نظر بلیاقت و استحقاق خلق نمائید در هر دور و کوری امر بمحبت و مدارا وارد ولی بهانهئی در میان بود و آن استحقاق و عدم استحقاق که فلان شخص مبغض و مدبر است و فلان مرد خونخوار و متنفر و اگر عفوی در میان بود شامت و ملامت نیز با عفو و سماحت همعنان ولی در این دور جمیع این امور منسوخ و محبت و مهربانی از دل و جان با جمیع ملل منصوص و اطاعت و دولتخواهی بسریر تاجداری اعلیحضرت شهبازی و امثال اوامر حضرت صدارتپناهی و امثال اوامر ولاة و حکام از اوامر قطعی الهیه باقی جمیع یارانرا بجان و دل مشتاقم و علیکم التَّحِیَّة و التَّأْ ع ع

این سند از [کتابخانه مراجع بهائی](#) دانلود شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجه به مقررات مندرج در سایت www.bahai.org/fa/legal استفاده نمایید.

آخرین ویراستاری: ۱۹ مه ۲۰۲۶، ساعت ۱۱:۰۰ قبل از ظهر